

رابطه قدرت و امنیت

در حوزه سیاسی در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

محمدعلی رحمانی^۱

علی اکبر علیزاده برمی^۲

سعید محمدپور شاهکلایی^۳

چکیده

قدرت و امنیت دغدغه‌ای تاریخی است که از بدو خلقت بشر همواره وجود داشته و امروزه ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده است. پژوهشگران در این مقاله با مراجعه به افکار و اندیشه‌های سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سعی دارند مفهوم قدرت و امنیت سیاسی از دیدگاه معظم له را تبیین نموده و رابطه بین آن دو الزامات تحقق قدرت و امنیت در حوزه سیاسی را استخراج نمایند.

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی (اینترنت) انجام شده و یافته‌های آن نشان می‌دهد که قدرت و امنیت سیاسی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به مفهوم فعالیت سیاسی سالم، شفاف، به‌دوراز دروغ و نفاق بوده و صداقت، امانت‌داری و مواجهه اعتقادی و ایمانی با موضوع سیاست از الزامات اصلی آن به شمار می‌رود. همچنین این دو مقوله رابطه مستقیم و تنگاتنگ با یکدیگر داشته و مردمی کردن قدرت و امنیت و رعایت تقوا و مصالح اسلام، انقلاب و کشور در فعالیت‌ها و تعاملات سیاسی، شرط تحقق قدرت و امنیت سیاسی می‌باشد.

واژگان کلیدی

قدرت، امنیت، امنیت سیاسی، اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۱. دانشجوی دکتری رشته سیاست دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی Geo2175@yahoo.com

۲. دکتری علوم دفاعی راهبردی از دانشگاه عالی دفاع ملی alavioun57@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی از دانشگاه عالی دفاع ملی said1343@yahoo.com



قدرت و امنیت از موضوعات اساسی مورد توجه در همه نظام‌های سیاسی دنیاست. همه نظام‌ها - فارغ از اهداف مشروع یا نامشروع خود - به نوعی در پی تولید قدرت به منظور افزایش امنیت برای تداوم حاکمیت هستند. در این بین، امنیت سیاسی یک از پایه‌های اصلی امنیت در هر کشوری بوده و از اهمیت بسزایی برخوردار است. از اهداف اساسی امنیت ملی در هر کشوری، حفاظت از ارزش‌های محوری و در رأس آن‌ها نظام سیاسی است. از آنجائی که مردم در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار و متکی به پشتوانه مردمی از اهمیت و جایگاه بسیار بالایی برخوردارند، لذا دوام و بقای این قبیل نظام‌ها هم متکی به تداوم حضور مردم در صحنه و حمایت‌های مردمی است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه محیط فعالیت احزاب، گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی در بطن جامعه بوده و گروه مخاطب آن‌ها نیز مردم می‌باشد و در واقع گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی سعی دارند از طریق فعالیت‌های سیاسی به شکل سخنرانی، نشست، بیانیه، مصاحبه، مقاله، خبر، نوشته و ... بخش‌هایی از مردم را با خود همراه کرده و اهداف حزبی و گروهی خود را دنبال نمایند، لذا اگر در این فعالیت‌ها بایدها و نبایدهای یک فعالیت سیاسی سالم رعایت نشود، منجر به غبارآلودگی فضا، بی‌ثباتی، درگیری و کشمکش، سلب اعتماد عمومی از احزاب، گروه‌ها، جریان‌ات سیاسی، نخبگان و مسئولین کشور، هرج و مرج و ... می‌گردد؛ به این وضعیت، ناامنی سیاسی گفته می‌شود که کل سیستم و نظام متکی به مردم و نیز مصالح و منافع مردم و حتی خود احزاب و گروه‌ها و نخبگان فکری و سیاسی را هم در معرض تهدید قرار داده و در مراحل بعدی به سطوح بالاتر امنیتی ارتقاء می‌یابد.

نمونه این وضعیت در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و فتنه ۸۸ به چشم می‌خورد. در سال‌های نخست انقلاب، برخی گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی داخلی با سوءاستفاده از فضای انقلاب و آزادی‌هایی که اسلام و انقلاب برای مردم و احزاب و گروه‌ها به ارمغان آورده بود، شروع به تهاجم علیه احکام اسلام از قبیل قصاص، حجاب، ارث، خط امام و اصول مسلم فقهی شیعه از قبیل ولایت فقیه کردند و اسم این کار را آزادی می‌گذاشتند که منجر به ناامنی و چالش برای انقلاب نوپای اسلامی و خوراک تبلیغاتی برای دشمنان داخلی و خارجی گردید. همین‌طور در





سال‌های ۷۸ و ۸۸ برخی گروه‌ها و جریانات سیاسی داخلی که از قضا از خانواده انقلاب هم بودند، در رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی، اصول اسلام و انقلاب و منافع مردم را رعایت نکرده و پا را از خطوط قرمز نظام - که حتی همه نظام‌های غیردینی دنیا نیز این خطوط قرمز را دارند و به شدت رعایت می‌کنند - فراتر نهادند و با تقدم بخشیدن به منافع حزبی و گروهی و اصرار کورکورانه بر تداوم آن، خسارات و لطمات جبران‌ناپذیری را بر مردم، نظام و انقلاب و حتی خودشان وارد کردند که طمع‌ورزی دشمنان به کشور و سعی در ایجاد ناامنی در بخش‌های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی و کندی حرکت انقلاب در عمق بخش داخلی و نیز نفوذ و گسترش آن در خارج از مرزهای جغرافیایی، از جمله نتایج و پیامدهای جبران‌ناپذیر چنین بی‌اخلاقی‌ها و بی‌تقوایی‌های سیاسی بود.

ارائه تعریفی روشن از قدرت و امنیت در حوزه سیاسی و تبیین رابطه بین آن دو همین‌طور الزامات، بایدها و نبایدهای یک فعالیت سالم سیاسی از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مهم‌ترین مسئله و سؤال این مقاله است. به بیان دیگر، ترسیم خطوط قرمز فعالیت‌های سیاسی از جمله ضروریات و نیازهای کنونی جامعه ماست تا مردم، احزاب و گروه‌ها و جریانات سیاسی و همین‌طور نخبگان فکری و سیاسی جامعه به همراه مسئولین مملکتی با شناخت بهتر این اصول و الزامات و رعایت دقیق آن‌ها، زمینه رشد و بالندگی سیاسی جامعه و کشور را فراهم آورده و با امن کردن و قدرتمند نمودن کشور در این حوزه، طمع‌ورزی و سوءاستفاده دشمنان را ناکام گذارند. لذا این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال مهم است که مفهوم قدرت و امنیت سیاسی از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چیست و رابطه بین آن دو الزامات تحقق قدرت و امنیت سیاسی از دیدگاه معظم له کدامند؟

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هرچند مطالب و نوشته‌های متعددی پیرامون مواضع، نظریات و دیدگاه سیاسی مقام معظم رهبری در مطبوعات و دیگر رسانه‌ها نوشته شده یا مطرح شده اند، اما تاکنون رساله یا مقاله‌ای با موضوع این تحقیق انجام نشده است. اهمیت این پژوهش در این است که یک نسخه بومی، ایرانی و اسلامی از قدرت و اقتدار ملی و همین‌طور امنیت سیاسی منطبق بر دیدگاه‌های رهبری معظم



انقلاب اسلامی که برگرفته از مکتب متعالی اسلام و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) است، ارائه می‌کند.

در این مقاله، ابتدا مفاهیم مورد بحث در مقاله از قبیل قدرت، قدرت ملی، امنیت، امنیت ملی و امنیت سیاسی مطرح شده و نظریات متداول در این زمینه بیان می‌شود. سپس دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پیرامون مفاهیم مذکور و الزامات تحقق قدرت ملی، اقتدار ملی، امنیت سیاسی و امنیت ملی بیان می‌شود و در نهایت الزامات تحقق قدرت و امنیت سیاسی از دیدگاه معظم له استخراج و دسته‌بندی می‌گردد.

روش تحقیق

برای انجام این تحقیق، سه نفر از پژوهشگران دانشگاه عالی دفاع ملی، به اسامی: ۱- محمدعلی رحمانی، ۲- علی‌اکبر علیزاده برمی، ۳- سعید محمد پور شاهکلایی بنا به ضرورت و نیاز امروز جامعه ما که گرفتار برخی آسیب‌ها و کشمکش‌های سیاسی است، به آثار و اندیشه‌های مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که به‌عنوان یک فقیه برجسته دینی و شخصیت کم‌نظیر سیاسی، هم رهبری دینی و هم رهبری سیاسی جامعه اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران را به عهده‌دارند، مراجعه کردند و با بررسی محتوای سخنان و بیانات معظم له که در مناسبت‌های مختلف انجام شده است، موضوعات سیاسی بیانات ایشان را دسته‌بندی نموده و سپس با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی (اینترنت) به سؤالات تحقیق پاسخ دادند.

مبانی نظری

تعریف مفاهیم

اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): منظور از اندیشه سیاسی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، نقطه نظرات، مواضع و دیدگاه‌های سیاسی معظم له است که به مناسبت‌های مختلف و در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و پیام‌های ایشان بیان شده است. قدرت: مفهوم قدرت و قدرت ملی از دیرباز در نظریه‌های مختلف علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی مورد توجه بوده است. ارگانسکی قدرت را





«توانایی نفوذ و تأثیر در راه و روش دیگران به وجهی که مطابق مقاصد صاحب قدرت عمل کند» می‌داند. (ارگانسکی، ۱۳۵۵: ۱۴۸). رابینز قدرت را توانایی بالقوه شخص در اثرگذاری بر طرز تلقی یا رفتار فرد یا افراد موردنظر در جهتی که موردنظر او باشد، می‌داند (رابینز، ۱۳۷۶: ۷۵)

تعاریف دیگری نیز از قدرت ارائه شده است که درواقع همان مفهوم پیش گفته شده را دارند؛ ازجمله: «قدرت ظرفیت تحقق یا اثرگذاری بر هدف‌های موردنظر است»؛ «قدرت امکان تحمیل خواسته یک شخص بر رفتار دیگران است.»؛ «قدرت نیرویی است که اگر به کار گرفته شود می‌تواند احتمال انجام رفتار خاصی را بالا ببرد و اگر به کار گرفته نشود رفتار به شکل دیگری انجام می‌شود. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۸)

قدرت ملی: مجموعه توانایی‌های بالفعل و بالقوه یک ملت را که ناشی از نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی فرهنگی، فناوری، نظامی و موقعیت ژئوپلیتیکی آن کشور است، قدرت ملی آن کشور می‌گویند. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۹)

در حوزه داخلی، از قدرت ملی برای قانون‌گذاری، اجرای عدالت اجتماعی، تنظیم روابط اجتماعی و تأمین امنیت عمومی از طریق سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور نظیر نهادهای قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی، امنیتی و اطلاع‌رسانی استفاده می‌شود. در حوزه خارجی از قدرت ملی برای حفاظت از منافع ملی، تأمین نیازهای ملی، تأمین امنیت ملی و رفع تهدیدهای مرزی و تقویت اعتبار و پرستیژ ملی استفاده می‌کنند.

عوامل قدرت ملی هر کشوری جمعیت، ملت، سطح آموزش، رفاه، نخبگان، نهاد اجتماعی، طرز فکر مردم، علایق ملی، ویژگی‌های ملت مثل شجاعت و هوشمندی، وسعت سرزمین، داشتن عمق استراتژیک، منابع طبیعی و ملاک‌های زیستی یک کشور است. ساختار حکومت‌ها، کارآمدی مدیران، مقبولیت عمومی، کیفیت رهبران سیاسی، سلامت عمل کرد مدیران و مسوولان، قانون‌گرایی، قدرت دفاعی و نظامی و کمیت و کیفیت نیروهای دفاعی آن است که منظور از کمیت تعداد نیروها و منظور از کیفیت انگیزه نیروهای مسلح و آموزش نیروهای دفاعی است. لجستیک، داشتن دکترین استراتژی نظامی، سیستم اطلاعاتی، وجود پایگاه‌ها و شرکای استراتژیک، اقتصاد، روابط خارجی دولت‌ها و ملت‌ها، تجارت بین‌المللی و روابط فرهنگی و سیاسی، ازجمله عوامل



قدرت ملی هستند.

ابعاد و مؤلفه‌های قدرت ملی: همان‌طوری که از تعاریف پیش گفته شده مشهود است، در مورد ابعاد، مؤلفه‌ها یا عناصر قدرت ملی اختلاف نظر وجود دارد. هریک از صاحب‌نظران طوری آن‌ها را دسته‌بندی کرده‌اند؛ لکن چیزی که در همه تعاریف مشابیهت دارد، این است که همه امکانات بالقوه و بالفعل یک کشور در دسته‌بندی‌ها لحاظ شده است. معمول‌ترین دسته‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های قدرت عبارتند از: مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و نظامی. سایر عناصر را می‌توان در قالب مؤلفه‌های ذکر شده جای داد. مثلاً موقعیت ژئوپلیتیکی در قالب مؤلفه سیاسی قابل بحث است. یا فناوری در قالب مؤلفه‌های اقتصادی و نظامی قابل طرح می‌باشد. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۹)

منظور از قدرت در این مقاله، قدرت در بعد سیاسی و در مقیاس داخلی و خارجی است که از اجزاء تشکیل دهنده قدرت ملی بوده و مکمل دیگر ابعاد قدرت ملی از قبیل قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی - اجتماعی و قدرت نظامی است.

امنیت: مفهوم لغوی امنیت در فرهنگ‌های لغت عبارت است از در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس و احساس ایمنی و رهایی از تردید و اعتماد به دریافت‌های شخصی. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۵). فرهنگ آکسفورد امنیت را شرایطی معرفی می‌کند که در آن موجودی در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود. تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت بر احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹، ۴۹)

در رویکرد دینی، از آیات و روایات چنین بر می‌آید که امنیت از نعمت‌های بزرگ - و البته پنهان - الهی بوده و مقدم بر سایر نیازهای بشری است. پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند وطنی که در آن امنیت و شادی نیست، خیری در آن نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸)

امنیت از لحاظ ماهیتی، مفهومی نسبی دارد؛ بنابراین نمی‌توان یک تعریف مطلق از آن ارائه نمود. تفکر و تأمل درباره یک سیستم امن (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...) زمانی می‌تواند تحقق عینی داشته باشد که به قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها،





توانائی‌ها و از طرفی تهدیدها و فشارهای بیرونی توجه شود. از این منظر، هر نوع تحلیلی از امنیت لزوماً برون گرا بوده و رابطه‌ای مستقیم با تشخیص و ارزیابی تهدیدهای بیرونی دارد؛ ولی از سوی دیگر، این تحلیل باید ناظر بر درون باشد؛ زیرا تهدیدها و فشارهای بیرونی همواره از بستر آسیب‌پذیری‌های درونی ریشه می‌گیرند. به هر صورت، گفتمان امنیتی در متن هر جامعه‌ای کاملاً متأثر از داده‌هایی می‌باشد که محیط داخلی و خارجی به سیستم تحمیل می‌کند. بدیهی است محیط امنیتی هر جامعه، تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیطی مانند ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، تشکلهای اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور، مؤلفه‌های قدرت ملی، ایدئولوژی، فناوری، مسابقات تسلیحاتی و ... است. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۵-۶)

امنیت ملی: امنیت در سطح ملی تعاریف متفاوتی دارد. برخی امنیت ملی را به مفهوم حفاظت جامعه از ارزش‌ها و نهادهای داخلی آن در برابر تهدیدات اعم از داخلی و خارجی و تهدیداتی که بقای نظام کشور و نظام شهروندی و شیوه زندگی آحاد جامعه را مختل می‌کند یا موجودیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد، می‌دانند. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۶). از نظر برخی دیگر، امنیت ملی یعنی حفظ یا ایجاد وضعیتی که در آن منافع و ارزش‌های حیاتی کشور، مورد تهدید جدی نباشد. می‌توان گفت که امنیت ملی، نتایج ناشی از اقدامات به عمل آمده توسط دولت برای برقراری نظم و حفظ منافع کشور در برابر دشمنان خارجی و داخلی است. امنیت ملی، حفظ قدرت نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و در نتیجه حفظ حکومت و اعمال حاکمیت در امور داخلی و خارجی علیه نفوذ بیگانگان و جلوگیری از عملیات غیرقانونی دشمن یا حریفی است که منظور آن تضعیف یا سرنگونی حکومت و دولت باشد. (همان)

در یک جمع بندی کلی، می‌توان گفت که امنیت ملی وضعیتی است که در آن یک واحد سیاسی نسبت به ارزش‌ها و منافع حیاتی خود احساس تهدید جدی نکرده و یا در صورت وجود چنین تهدیدی، احساس کنترل و مقابله با تهدید را داشته باشد.

امنیت سیاسی: با توجه به اینکه از یک نظر، امنیت را به نبود تهدید تعریف می‌کنند، می‌شود گفت که امنیت سیاسی در دیدگاه سلبی، به نبود تهدید در حوزه



سیاسی اطلاق می‌شود؛ تهدیدات سیاسی از جمله تهدیدات داخلی هستند که عمدتاً اصل نظام سیاسی و موجودیت آن را به خطر می‌اندازند: از این نظر می‌توان گفت که حساس‌ترین سطح برای اثربخشی یک تهدید، «حوزه داخلی» است؛ و لذا تهدیدات سیاسی یا ناامنی‌های سیاسی را می‌توان در زمره تهدیدات مهم و حساس دسته‌بندی کرد که یک کشور را در نامناسب‌ترین وضعیت قرار می‌دهد.

تهدیدات داخلی حساس‌ترین سطح در تکوین و ظهور تهدید می‌باشند؛ چراکه به دلیل وقوع تهدید در درون قلمرو سرزمینی بازیگر می‌تواند: اولاً دسترسی مناسب تری به عناصر تشکیل‌دهنده هویت بازیگر (از قبیل افراد، منابع، کانون‌های قدرت، نهادها، سازمان‌ها و ...) داشته باشد؛ به همین علت است که از این گونه تهدیدات با عنوان «تهدیدات ملموس» یاد می‌شود که بدلیل «وقوع در متن جامعه» از توانایی بالایی برای درک شدن توسط بازیگر تهدید شونده برخوردارند. ثانیاً به محض «داخلی شدن» یک تهدید، هزینه‌های مدیریت و مقابله با آن افزایش می‌یابد؛ دلیل این امر آن است که امکانات داخلی (سخت‌افزار یا نرم‌افزار) به نوعی در دسترس «تهدید» قرار گرفته و در نتیجه، هرگونه برخوردی با تهدید مستلزم آسیب دیدن و یا از بین رفتن بخشی از توانمندی‌ها و امکانات بومی خواهد بود. ثالثاً داخلی شدن تهدید، آثار روان شناختی عمیق و گسترده‌ای به دنبال دارد که دلیل اصلی آن رشد این گمان نزد تحلیلگران داخلی و خارجی است که ضعف بازیگر در مقابله با نفوذ تهدید منجر به وقوع آن در قلمرو سرزمینی شده است. به عبارت دیگر، گزاره اصلی در این وضعیت آن است که «داخلی شدن تهدید» در مقام نخست دلالت بر «توانمندی بالای» تهدید دارد و همین امر می‌تواند از حیث روانی در تأثیر گذاری تهدید و مدیریت آن مؤثر باشد. (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

واضح است که تهدیدات سیاسی در وهله نخست با بروز اختلاف و دوگانگی یا چندگانگی در بین حاکمان یا نخبگان سیاسی به وجود آمده و در شکل عمیق و خطرناک آن بین مردم و گروه‌های اجتماعی جریان می‌یابد که در این صورت می‌تواند یک کشور یا یک ملت را به ورطه هلاکت و نابودی بکشاند. قرآن کریم در آیات مختلف به این مهم اشاره داشته است در آیه ۱۰۵ سوره آل عمران، خداوند متعال مسلمانان و امت رسول الله (ص) را از اختلاف و تفرقه برحذر داشته وعده عذاب به اختلاف کنندگان داده است.



آنجا که می‌فرماید: «ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئک لهم عذاب عظیم.» مانند کسانی نباشید که تفرقه پیدا کرده و پس از آمدن آیات روشن برایشان به اختلاف با یکدیگر پرداختند و برای آنان عذاب بزرگی در راه است (آل عمران، آیه ۱۰۵)

همن طور در آیه دیگری می‌فرماید: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين. «خداوند و پیامبرش را اطاعت کنید و با همدیگر منازعه و کشمکش نکنید که سست شده و عظمت و شکوه شما از بین می‌رود و در این راه صبر و پایداری کنید که خداوند با صابران است.» (انفال، ۴۶) در هر دو آیه یادشده، خداوند متعال نتیجه اختلاف و تفرقه را - که اتفاقاً به اختلاف و تفرقه سیاسی و اجتماعی اشاره دارد - عذاب الهی و سستی و فشل شدن امت اسلامی و از بین رفتن ریح، ابهت، عظمت و قدرت جامعه اسلامی بیان می‌کند که درواقع همان ظهور تهدیدات به زبان ادبیات سیاسی است. منظور از امنیت در این مقاله، امنیت در بعد سیاسی است که ناظر بر امنیت سیاسی داخلی و خارجی می‌باشد که یکی از ابعاد مهم امنیت ملی است.

رابطه قدرت ملی با امنیت ملی

با توجه به اینکه قدرت ملی جمع کل توانائی‌های بالفعل و بالقوه کشور ناشی از منابع مورد اشاره در بالا و مجموعه توان مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، فناوری، نظامی و ... می‌باشد، می‌توان گفت که یک موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب به همراه قدرت نظامی، روابط دیپلماتیک و اتحاد و ائتلاف با دیگر کشورها، حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، داشتن اقتصاد قدرتمند، وحدت و انسجام داخلی و نداشتن اختلاف‌های شدید داخلی، داشتن نیروی انسانی کارآمد و نظایر اینها، از اصلی‌ترین عناصر سازنده و تقویت کننده قدرت ملی هستند و امنیت ملی زمانی برقرار می‌گردد که به نحو مطلوب از عناصر قدرت ملی در راستای منافع ملی و تحقق اهداف ملی بهره‌گیری به عمل آید. امنیت ملی از یک سو بستگی به قدرت ملی دارد و از سوی دیگر با تهدیدات مواجه است. (توحیدی، ۱۳۹۳: ۹)



قدرت سیاسی و ابعاد و مؤلفه‌های آن از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ابعاد و مؤلفه‌های قدرت و اقتدار سیاسی را در خطبه‌های نماز جمعه ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۰ تبیین و تشریح فرموده و بخشی از ابعاد آن را حضور فعال در میدان سیاست دنیا، استقلال سیاسی کشور، بصیرت و آگاهی‌های سیاسی ملت و احزاب و نخبگان، حمایت سیاسی ملت از نظام (حضور در صحنه) دانستند:

«اقتدار سیاسی هم، پایه‌ای از اقتدار ملی است. اقتدار سیاسی چیست؟ اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آن‌ها تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آن‌ها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آن‌ها دخالت کند؛ کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آن‌ها انگشت ایزد دراز کند. اقتدار سیاسی - که بخشی از اقتدار ملی است - این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی در داخل کشور - چه آنهایی که اسم حزب و گروه دارند، چه آنهایی که اسم گروه و حزب ندارند؛ بسیاری از مجموعه‌های دانشجویی و روحانی و سایر مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی‌اند؛ گرچه حزبی هم ندارند - بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

امنیت سیاسی و ابعاد آن از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مناسبت‌ها و مقاطع مختلف تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب و در حوادث و رویدادهای مهم سیاسی به تشریح و بیان نقطه نظرات خودشان پیرامون امنیت و امنیت سیاسی پرداخته‌اند؛ از جمله معظم له حدود یک ماه و اندی پس از غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸ که جریانات برانداز با سوءاستفاده از آزادی‌هایی که نظام اسلامی برای این ملت و این کشور به ارمغان آورده، اقدام به ایجاد ناامنی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، انتظامی و ... در سطح کشور و به‌ویژه در تهران کرده بودند، طی سخنان مهمی در ۱۰ شهریور همان سال در جمع بسیجیان به تشریح اهمیت امنیت و ابعاد مختلف آن پرداختند و در تعریف امنیت سیاسی فرمودند:



«امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردنِ معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعامی که علی‌الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است. آن قلمی که برمی‌دارد بیست سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگوی چپاولگر دشمنِ ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند. آن کسی که در داخل کشور، با استفاده از امکاناتی که قانون و بیت‌المالِ این مردم در اختیار او گذاشته است، برمی‌دارد خواسته‌های دولتمردان و سیاستمداران فلان کشور دشمن را توجیه می‌کند و با قالب‌های علی‌الظاهر پسندیده، به خورد یک عده می‌دهد، این ناامنی سیاسی و فکری ایجاد می‌کند. این هم مثل همان دزد سرگردنه است - فرقی نمی‌کند - مثل همان اشرار لب مرز است. آن‌ها مگر چه کار می‌کنند؟ آن‌ها هم جنس قاچاق می‌آورند و جوانان مردم را دچار انواع بدبختی‌ها و بیماری‌ها و اعتیاد می‌کنند. آن‌که این کار را می‌کند، از او که کمتر نیست؛ اگر خطرناک‌تر نباشد! این‌ها ذهن‌ها را منحرف و گمراه می‌کنند. بنده درباره مطبوعات و نوشتن‌ها، صحبت‌های زیادی کرده‌ام. هیچ‌کس هم نمی‌تواند منکر این بشود که بنده طرفدار فکر آزاد، قلم آزاد، بیان آزاد و معارف منتشرشده گونه‌گون در این کشورم؛ اعتقاد من این است. من می‌گویم بایستی افکار و آراء و سلايق مختلف در کشور، به‌صورت صحیح و درست مطرح شود؛ اما گفتنِ معارف گوناگون یک حرف است، دروغ گفتن به مردم و دروغ نوشتن و تحریف کردن حقایق و بلندگوی دشمن شدن، حرف دیگری است؛ آنچه که من در باب مطبوعات نمی‌توانم قبول کنم و بپذیرم.» (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۶/۱۰)

داده‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل

الزامات تحقق قدرت و اقتدار سیاسی و برقراری امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری



حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را در دو بخش الزامات سلبی (چه کارهایی نباید بشود) و الزامات ایجابی (چه کارهایی باید بشود) می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. **الزامات سلبی:** با مروری بر بیانات و مواضع سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که بعد از قضایای غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بیان فرمودند و در سطور بالا در بخش مفهوم امنیت سیاسی نیز به آن پرداخته شد، به روشنی معلوم می‌گردد که الزامات سلبی امنیت سیاسی از دیدگاه معظم له به شرح ذیل است:

۱/۱- دوری از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۶/۱۰)

۱/۲ - پرهیز از دروغ‌گویی و دروغ‌نویسی در فعالیت‌های سیاسی (همان)

۱/۳ - پرهیز از تقلب و تحریف کردن حقایق (همان)

۱/۴ - پرهیز از فریب داده مردم (همان)

۱/۵ - پرهیز از تکرار حرفهای دشمن و بلندگوی دشمن شدن (همان)

۱/۶- پرهیز جناح‌های سیاسی از تضاد بنیانی با یکدیگر: «مسئله دیگر دسته‌بندی‌های سیاسی، مبارزات و پنجه‌افکنی‌های جناحی و خطی است. این مسئله بسیار مضر است و دشمن آن را تقویت می‌کند. اختلاف سلیقه در کشور وجود دارد؛ اما تبدیل آن به تضاد بنیانی از کارهایی است که دشمن به آن می‌پردازد و در شکل‌دهی آن مؤثر است. باید مواظب باشیم. مسئولین و جناح‌های سیاسی مواظب باشند اختلاف سلیقه را به تضادهای بنیانی تبدیل نکنند. چرا شعارهای دشمن را تکرار می‌کنید؟! دشمن با هر دو جناح عداوت دارد. خیال نکنید یک جناح را دوست دارد و از جناح دیگر بدش می‌آید. با هر دو جناح دشمن است. گاهی از جناحی حمایت می‌کند تا دیگری را تضعیف نماید. بعد که یک جناح ضعیف و یا از صحنه خارج و زایل شد، به تضعیف دیگری می‌پردازد. مردم، مسئولین، سیاسی‌ها و جوانان عزیز ما خیلی مواظب باشند. دشمن، خواهان دسته‌بندی‌های سیاسی و جدایی بین صفوف مردم است. خط دشمن در کشور ما عبارت است از جدا کردن مردم از نظام و ایجاد فضای هرج و مرج در جامعه. شاهد بودید که در سال ۷۸ این مسائل را به جنجال‌های خیابانی هم کشاندند که قدرت بسیج مردمی جلو تجاوزات آن‌ها را گرفت. جوانان عزیز هوشیار باشند و بدانند که نقشه‌های دشمن در این کشور چیست و چه می‌خواهد».

۲. الزامات ایجابی

۲/۱ - لزوم وجود معنویت در سیاست: «سلوک سیاسی امیرالمؤمنین از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته‌ی از معنویت علی و اخلاق اوست. سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست می‌شود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه‌ی زندگی آن‌ها این سیاست ورزیده می‌شود هم آفت است.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۶/۲۰)

۲/۲ - پشتیبانی ملت از نظام اسلامی: «اقتدار سیاسی هم، پایه‌ای از اقتدار ملی است. اقتدار سیاسی چیست؟ اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آن‌ها تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آن‌ها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آن‌ها دخالت کند؛ کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آن‌ها انگشت اِیذاء دراز کند. اقتدار سیاسی - که بخشی از اقتدار ملی است - این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی در داخل کشور - چه آنهایی که اسم حزب و گروه دارند، چه آنهایی که اسم گروه و حزب ندارند؛ بسیاری از مجموعه‌های دانشجویی و روحانی و سایر مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی اند؛ گرچه حزبی هم ندارند - بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسؤولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

۲/۳ - کسب بصیرت و آگاهی‌های سیاسی از سوی گروه‌ها و جریانات سیاسی: «... این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی در داخل کشور - چه آنهایی که اسم حزب و گروه دارند، چه آنهایی که اسم گروه و حزب ندارند؛ بسیاری از مجموعه‌های دانشجویی





و روحانی و سایر مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی اند؛ گرچه حزبی هم ندارند - بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است.» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)

۲/۴- حفظ ثبات سیاسی کشور: «دشمنان ما بارها کوشش کردند که با شیوه‌های گوناگون، این ثبات سیاسی را به هم بزنند. در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی در شرق و غرب کشور، شمال و جنوب کشور، سعی کردند نگذارند انقلاب اسلامی به آرامش دست پیدا کند و کشور را از تلاطم انقلاب بیرون بیاورد؛ اما موفق نشدند. بعد از آن سعی کردند با تهاجم یک همسایه‌ی دیوانه - صدام به معنای واقعی کلمه، یک انسان وحشی و دیوانه و افسارگسیخته و خطرناک بود - امنیت کشور را به هم بریزند؛ از داخل هم گروهک‌ها کمکش کردند؛ همان گروهک‌هایی که بعد هم به دامان خود او پناه بردند. دیدید آنچه که آن‌ها خواستند، صد و هشتاد درجه برخلاف میل آن‌ها تمام شد. جنگ تحمیلی، حمله دشمن، نه فقط ثبات و استقرار کشور را به هم نزد، بلکه اتحاد ملت را بیشتر کرد. عده‌ای سعی کردند این ثبات را از داخل به هم بریزند. من فقط اشاره کنم؛ نمی‌خواهم وارد تفصیل شوم. هم در سال ۷۸، هم در سال ۸۸ - با فاصله ده سال - نقشه و توطئه‌ی دشمن یک جور بود. در هر دو مورد سعی‌شان این بود که بتوانند ثبات سیاسی را در کشور به هم بزنند؛ سعی‌شان این بود که تلاطم ایجاد کنند؛ این آرامش عمومی را، این ثبات را از این ملت بگیرند.» (بیانات در جمع مردم شیروان، ۱۳۹۱/۷/۲۴)

۲/۵- حضور مردم در انتخابات: «امنیت برای یک ملت جزو اساسی‌ترین نیازها است. اگر امنیت بود، پیشرفت به وجود می‌آید، علم رشد می‌کند، اقتصاد شکوفائی پیدا می‌کند، سازندگی کشور امکان پیدا می‌کند. امنیت به این گستردگی در این کشور، خودش را در این انتخابات نشان داد. هرچه می‌خواستند دستگاه‌های امنیتی کشورمان با تبلیغات بگویند، نمی‌توانستند این حقیقت را به این روشنی بیان کنند که انتخابات بیان کرد. (بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۲/۴/۵)

۲/۶- هوشیاری و حضور ملت در صحنه: ای ملت بزرگ و شجاع که بیست سال است



دشمنی را که انقلاب از این کشور بیرون راند، با قدرت پشت در نگه داشتید و نگذاشتید که این دشمن از هیچ منفذی وارد شود؛ بهوش باشید. این معنای حرف‌های مکرری است که من در این چند سال به ملت ایران و به مسؤولان عرض کرده‌ام که دشمن در صدد نفوذ است. هر پنجره‌ای پیدا کند، وارد خواهد شد؛ هوشیاریتان را بیشتر کنید. دشمن، امنیت ملی ما را هدف گرفته است. امنیت ملی برای یک ملت، از همه چیز واجب‌تر است. اگر امنیت ملی نباشد هیچ دولتی نمیتواند کار کند؛ برای سازندگی، هیچ سنگی روی سنگ گذاشته نخواهد شد. وقتی که هرج و مرج و ناامنی باشد، هیچ مشکلی از مشکلات مملکت حل نخواهد شد؛ نه اقتصاد مردم، نه فرهنگ مردم، نه مسائل اجتماعی مردم، نه مسائل سیاسی مردم. وقتی امنیت نبود، همه این‌ها از بین خواهد رفت. دشمن این را هدف گرفته است. این را ملت ایران در همه جای کشور باید بفهمد؛ که البته می‌فهمد و می‌داند. بحمدالله ملت هوشیار است. (بیانات در پی حادثه کوی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸/۴/۲۱)

۲/۷ - رعایت حد و حدود و خطوط قرمز نظام در درگیری‌های سیاسی از سوی جناح‌ها: «آقایانی که سردمداران خطوط سیاسی و گرایش‌های سیاسی هستید، حالا برسید به این حرفی که ما می‌گوییم شما خودی‌ها وقتی سر قضایای بیپرده این‌طور باهم درگیر می‌شوید، دشمن سوءاستفاده می‌کند؛ بفرمایید، این یک نمونه؛ دیدید دشمن چطور استفاده کرد؟! دیدید دشمن چگونه نیش خود را زد؟! این مسائل را کنار بگذارید. البته ما اصرار نداریم که همه یک‌طور فکر کنند؛ اما برای کار سیاسی و درگیری سیاسی، حدی قائل شوید و خط قرمزی بگذارید. بی‌حساب و کتاب باهم مبارزه نکنید که آن قدر مشغول شوید که به دشمن اجازه دهید این‌طور بیاورد و داخل این میدان‌ها بشود» (بیانات در پی حادثه کوی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸/۴/۲۱)

۲/۸ - برخورداری کشور از استقلال سیاسی: «استقلال سیاسی» یعنی چه؟ یعنی این که امروز در این کشور، کسانی که مسؤولند - چه دولت، چه مجلس و چه قوه قضائیه - همه خدمتگزاران شما مردم‌اند. این‌ها زیر بار هیچ کس، جز تکلیف الهی‌شان نیستند. استقلال، یعنی این. اگر همه دنیا هم جمع شوند - آمریکا، انگلیس، اروپا؛ حتی آن روزی که در دنیا دو قدرت شرق و غرب بود - و دست در دست هم بگذارند و بخواهند این ملت و این کشور را یک‌قدم به سمتی که به ضرر مردم و به نفع آن‌هاست بکشانند،



مسئولین و رؤسا و خدمتگزاران این کشور، اجازه نخواهند داد. این، استقلال سیاسی است. (بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۲/۲/۱۵)

۲/۹ - استقامت ملت و مسئولان بر سر درمان‌ها و اصول: «خدای متعال وعده‌ی قطعی کرده است که: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا لِاتْحَزَنُوا»؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند. (بیانات در دیدار مردم گرمسار، ۱۳۸۵/۸/۲۱)

۲/۱۰ - حفظ وحدت ملی: «من بر روی «وحدت ملی» تأکید بیشتری دارم؛ به خاطر این‌که امنیت هم ناشی از وحدت است. اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می‌افتد و ایجاد ناامنی می‌شود. منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت این‌ها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، میتوانند اتحاد داشته باشند؛ میتوانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶)

۲/۱۱ - صداقت و روراستی و امانت‌داری در فعالیت‌های سیاسی: «امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به‌خرج دهند. (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۸/۶/۱۰)

۲/۱۲ - شفافیت در فعالیت‌های سیاسی: (همان)

نتیجه‌گیری

مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان امام و رهبر جامعه اسلامی (از منظر اعتقادی) و به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی (از منظر سیاسی و رهبری و هدایت کشتی انقلاب اسلامی تا رسیدن به همه اهداف عالیه انقلاب) مفهوم قدرت و امنیت سیاسی



و الزامات تحقق امنیت سیاسی را به‌منظور اصلاح، تربیت، آگاهی و رشد فکری و عملی آحاد مردم و جریان‌ها و گروه‌ها و نخبگان سیاسی و فکری جامعه در مناسبت‌ها و حوادث گوناگون بیان کرده و باید‌ها و نبایدهای این مهم را تشریح کرده‌اند که در این مقاله در دو بخش الزامات سلبی و الزامات ایجابی موردبحث و بررسی قرار گرفت.

معظم له در بخش سلبی یعنی اقداماتی که نباید انجام شود و همه باید از آن پرهیز کنند، به ۶ مورد: دوری از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی در فعالیت‌های سیاسی، پرهیز از دروغ‌گویی و دروغ‌نویسی در فعالیت‌های سیاسی، پرهیز از تقلب و تحریف کردن حقایق، پرهیز از فریب دادن مردم، پرهیز از تکرار حرف‌های دشمن و بلندگوی دشمن شدن، پرهیز جناح‌های سیاسی از تضاد بنیانی با یکدیگر اشاره کرده‌اند. در بخش ایجابی، یعنی اقداماتی که باید انجام بشود تا قدرت و امنیت سیاسی نهاده‌ینه و تثبیت شود، به ۱۲ مورد اشاره فرموده‌اند که عبارتند از: لزوم رعایت اخلاق و معنویت در سیاست، پشتیبانی ملت از نظام اسلامی، کسب بصیرت و آگاهی‌های سیاسی از سوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، حفظ ثبات سیاسی کشور، حضور مردم در انتخابات، هوشیاری و حضور ملت در صحنه، رعایت حد و حدود و خطوط قرمز نظام در درگیری‌های سیاسی از سوی جناح‌ها، برخورداری کشور از استقلال سیاسی، استقامت ملت و مسئولان بر سر آرمان‌ها و اصول، حفظ وحدت ملی، صداقت و روراستی و امانت‌داری در فعالیت‌های سیاسی، شفافیت در فعالیت‌های سیاسی.

خلاصه کلام اینکه، از منظر معظم له باید به سیاست نیز نگاهی الهی و مکتبی داشته باشیم. اگر در نگاه دولتمردان، سیاسیون، احزاب و تک‌تک آحاد ملت، چنین نگاه و تفکری حاکم باشد، به تعبیر ایشان، سیاست برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال و راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از دین و از اخلاق و از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود یک وسیله‌ای برای کسب قدرت و ثروت و پیش بردن کار خود در دنیا، به هر قیمت؛ و این نوع سیاست می‌شود آفت؛ که هم برای خود سیاست‌ورز آفت است، و هم برای مردمی هم که در عرصه‌ی زندگی آن‌ها این سیاست ورزیده می‌شود آفت است.

بنابراین تفکر و رفتار ما در حوزه سیاسی باید برگرفته از مکتب اسلام و سیره نبی



مکرم اسلام(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد؛ همان جمله معرف شهید مدرس که فرمود: سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست.

جا دارد پژوهشگران و محققین دیگر، این بحث را در محورهای موضوعات ریزتر و منجز تر، از قبیل: نحوه فعالیت و مشارکت سیاسی مردم، نحوه مشارکت و تعامل سیاسی احزاب، نخبگان سیاسی، فقهای دینی و ... در قالب رساله‌های دکتری، پایان نامه‌ها و مقالات علمی و دانشگاهی به بحث گذاشته و پیش ببرند و بر آگاهی و بصیرت سیاسی آحاد مردم و گروه‌های سیاسی بیفزایند.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۱)، «ثبات سیاسی رسانه‌ای»، مجموعه مقالات همایش رسانه‌ها و ثبات سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبد شکافی تهدید؛ تهران؛ دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.
- ارگانسکی، ای. اف. ک، «سیاست جهانی» ترجمه حسین فرهودی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- بوزان، باری، ویور، الی و پاپ دووید (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی.
- توحیدی، ارسطو، (۱۳۹۳)، جزوه کلاسی دانشگاه عالی دفاع ملی
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)؛ چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رایبیز، استیفن. پی، (۱۳۷۶)، «مبانی رفتار سازمانی»، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

